

#### زیر آسمان فیروزهای

#### بزرگداشت شجریان دراسترالیا

**• شرق:** بزرگداشت محمدرضا شجریان با اجرای قطعاتی از آثار منتخب وی در دانشگاه کوپینلند استرالیا برگزار شد. به گزارش ایرنا از تارنامای باشگاه دانشجویان ایرانی کوپینلند استرالیا، آیین نکوداشت محمدرضا شجریان، خواننده شناخته‌شده ایرانی در شامگاه شنبه، دوم جولای ۲۰۱۶، مصادف با ۱۲ تیر در حالی در این دانشگاه برگزار شد که سکوت خبری رسانه‌ها و ورود افراد زیر ۱۴ سال از نکات درخور توجه این رویداد بود. آن‌طور که در پوستر فراخوان این بزرگداشت آمده بود، خانه موسیقی ایرانیان کوپینلند با همکاری انجمن دانشجویان ایرانی این دانشگاه، این مراسم را برگزار کرده است.

#### پشت‌بوم

#### اعتدال یعنی جاقویی که نمی‌برد؟

**• حسین هاشم‌پور:** وقتی رئیس‌جمهوری در ضیافت افطار با هنرمندان گفت «این دولت تنها به فکر سیاست خارجی و با اقتصاد نیست، به فکر هنر و فرهنگ هم هست، پیدا بود انبوه گلایه‌ها را شنیده است؛ اما وقتی اظهار کرد «همه توان‌ها و قدرت‌ها در قدرت مجریه جمع نیست» پیدا شد در سال پایانی دولت یازدهم نیز اوضاع فرهنگ و هنر تغییر معناداری نخواهد کرد.یک- «با دست لرزان نمی‌توان نقاشی خوب و با دل ترسان نمی‌توان کار هنری بزرگ تحویل جامعه داد... هنر خلاق با آزادی و امنیت کامل ممکن است... اگر قانون انتظار جامعه هنری در سال سوم دولت، تدبیر انبوه مشکلات و امیدبخشی با ارائه راهکارهای شدنی است.

دو- «دولت یازدهم به «دولت فرهنگی» ملقب شد و به‌همین‌دلیل جامعه هنری با جیب خالی‌اش هم کنار آمد. ۲۹ آبان ۱۳۹۲ در همین ستون نوشتم: «با جیب خالی هم می‌توان رویداد ساخت» در واقع جامعه هنری پرشور به‌ عنوان پشتیبان دولت در متن میدان بود و توقع دارد شاهد گشایش‌های کلان در زاویه نگاه حاکمیتی به هنر باشد و حتی تصور این بود که در چنین روزی شاهد تعمیق اعتماد به هنرمندان در مراجع خارج دولت هم خواهد بود و باور عمومی نهادهای تصمیم‌ساز در سراسر کشور به‌ فعالیت هنری تغییر می‌یابد؛ اما در عمل، حتی مجلس نواّمده در کمیسیون فرهنگی‌اش همان ترکیبی را دارد که داشت؛ چه رسد به زاویه نگاه دیگر نهاده‌ها که گاه شخص وزیر فرهنگ هم از آنها نالیده است.سه- تصور این بود که دولت فرهنگی، برای احداث‌سازی اثری خواهد گذاشت و راهکارهای قانونی تبیین می‌کند تاانجمن‌های هنری- فرهنگی استحکام و اعتباری یابند که در سال‌های بعدتر تحدید نشوند که به دستاورد‌های زیرساختی‌ای برسند که توسعه به معنای پیشرفت‌های برگشت‌ناپذیر در هنر محقق یا دستکم افق‌های پدیدارشدنش جلوه‌گر باشد... ارائه آمار چنین رویکردهایی در سال پایانی «دولت فرهنگی» ضروری است.چهار- مثل روز روشن بود برای وابستگی شدید هنر به بودجه‌های دولت و تنگنای کم‌سابقه دولت بر اثر تحریجه‌ها... مشکلات اقتصادی حتی بیش از برخی از اقشار متوسط جامعه، گریان اهالی فرهنگ و هنر را خواهد گرفت:گلایه‌های بی‌کاری، نبود امکان تأمین مالی... نشانه‌هایی بدیهی است که این روز‌ها بسیار دیده و شنیده می‌شود؛ به حتم فرایند استقلال مالی فعالیت‌های هنری اتفاقی نیست که در سه، چهار سال تمر دهد؛ اما انتظار این بود که دولت چاره‌اندیشی‌هایی دراین‌باره کند؛ به طور مثال ایده بارها گفته‌شده بخشودگی مالیاتی بخش‌های خصوصی که در هنر سرمایه‌گذاری می‌کنند که با چنین مصوبه‌ای هنرمندان مجال مهیایی برای جذب اسپانسر می‌یابند و آبی به آسیاب‌شان می‌افتد. این ایده اکنون هم می‌تواند با تقدیم لایحه‌ای به مجلس در دستورکار دولت قرار بگیرد.

پنج- اعتدال حتی در لغت هم زیاست: آرزوی آدمی است؛ اما دولت در قامت مجری قانون اساسی، حافظ حقوق شهروندی و در اینجا صیانت از هنر و هنرمند باید بُرش و قدرت اجرا از خود بروز دهد؛ تکرار مگر اینکه «همه قدرت دست دولت نیست» اطمینان‌خاطر بخشیدن به دل‌وابسانی است که قسم یاد کرده‌اند کنسرتی برگزار نشود. جالب است بهمن‌ماه سال گذشته وزیر ارشاد هم همین نکته را یادآور شد که تیترا این ستون شد «کاش وزیر ارشاد این حرف را نمی‌زد»، دود این عقب‌رفت‌های دولت به چشم هنرمند خواهد رفت و فضای فعالیت هنری را محدودتر می‌کند. نباید چنین تعبیر شود که دولت اعتدال یعنی دولتی که بُرش لازم برای برخورد با قانون‌شکنان را ندارد؛ مانند جاقویی است که نمی‌برد، در همین راستا کاش به شک مسوبلیک هم شده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برابر قانون‌شکنان و برهمنزدگان کنسرت‌ها یا آنها که به جلسه سخنرانی بانوی هنرمند یورش می‌آورند، در دادگاه اقامه دعوا کند.فرصت گفتار درمانی به پایان رسیده، باید در عمل ثابت کرد «این دولت تنها به فکر سیاست خارجی و با اقتصاد نیست، به فکر هنر و فرهنگ هم هست».

**بهناز شیربانی:** چندصباحی است که شبکه نسیم با دو برنامه متفاوت، مخاطباننش را در درواهی انتخاب «خندوانه» یا «دوره‌می» قرار داده است. این شبکه که با «خندوانه» مخاطبان گریزان سیما را ب آن آشتی داد، اینک «دوره‌می» را با اجرای مهران مدبری در کنداکتور برنامه‌های خود قرار داده است. نظرسنجی‌ها حکایت از پیشی گرفتن این برنامه در رقابت با خندوانه دارد. بسیاری از کاربران تلویزیون معتقدند «دوره‌می» اخیر از فصل سوم خندوانه بهتر و جذاب‌تر ظاهر شده است و مهران مدبری پس از یک دوره ناکامی و شکست، می‌رود تا جایگاه ازدست‌رفته خود را به دست آورد.

**چالش‌های باشگاه‌خنده**

چندی پیش همشهری جوان در گزارشی، پنج دلیل افت و سقوط خندوانه را وسعت دکور، حضور بیش از حد اسپانسر، نبود خلاقیت در ساخت ترائه، ترکیب میهمان‌ها و دورشدن از وظیفه اصلی برشمرده و در توضیح دلیل آخر نوشته بود: «در فصل سوم، به علت آشفتگی‌های زیادی که در آزمون و خطای ایده‌های متفاوت وجود دارد، عملا وظیفه اصلی نادیده گرفته شده و کلا برنامه هدف خاصی را دنبال نمی‌کند. با یک برنامه شاد و سرگرم‌کننده اما بدون علت خاصی رویه‌رو هستیم...». اما حقیقت آن است که برنامه‌سازی در تلویزیون ایران دشواری‌های خاص خود را دارد؛ از چگونگی شمایل و محتوای آن گرفته تا حواشی‌ای که گاه در میانه‌های راه برنامه‌سازان را از ادامه مسیر منصرف کرده است. چندین‌بار پیش پاسخ رامبد جوان به پرسش «شرق» مبنی بر ادامه برنامه خندوانه در فصل‌های بعد و پیش‌بینی‌اش از موفقیت برنامه این بود: «اگر «خندوانه» سریال بود یا چیزی غیر از اتفاقی که هست، نمی‌توانستم پای آن بایستم، اما احساسم این است که این برنامه دیگر مثل یک باشگاه خنده و شادی است و چراغش باید روشن باشد. واقعیت این است که مردم به این شادی نیاز دارند، شاید در آینده به جایی برسد که به‌اصطلاح موتورش روشن شود و فکر کنم می‌تواند مسیرش را ادامه دهد ولی درحال‌حاضر نظری ندارم؛ یعنی نمی‌دانم چه اتفاقی خواهد افتاد».

واقعیت این است که خندوانه شروع بسیار موفقی داشت. جای خالی برنامه‌ای با این مشخصات در

فرانک آرتا، مراسم رونمایی از جدیدترین فیلم مستند رخشان بنی‌اعتماد با عنوان «آی آدم‌ها» عصر روز ۱۳ تیر در محل همایش‌های فرهنگی- هنری کتابخانه ملی برگزار شد. این فیلم به چگونگی ارائه خدمات و فعالیت‌های مؤسسه خیره «زنجیره امید» می‌پردازد که کودکان زیر ۱۸ سال مبتلا به انواع بیماری‌های قلبی، ارتوپدی و ترمیمی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. شعار محوری این مؤسسه به مدیریت مریم مرعشی، کمک به کودکان، فارغ از ملیت، مذهب و نژاد است. این مؤسسه با همکاری خیره بین‌المللی زنجیره امید کشور فرانسه طی ۹ سال گذشته کوشیده به کودکان بی‌ضاعت زندگی دوباره‌ای ببخشد. بنی‌اعتماد با هدف مشارکت در پوشش «زنجیره امید» در ساخت بیمارستان برای کودکان بیمار محروم چنین مستندی را کارگردانی کرد. او در این مراسم پیش از نمایش فیلم که عنوانش را از شعری از نیما یوشیج گرفته است، گفت: «مدتی قبل از پروفیسور کیوان مزدا، جراح فوق‌تخصص ارتوپدی، پرسیدم چرا نام «زنجیره امید» را برای این مؤسسه انتخاب کرده‌اید که پاسخ داد در گذشته و در دوران دانشجویی، بچه‌های بیماری را از آفریقا شناسایی می‌کردند و برای درمان به فرانسه می‌آوردند. خانواده‌های فرانسوی هم سرپرستی

**علی نامجو:** جندی قبل علیرضا قربانی، خواننده نام‌آشنای موسیقی ایرانی، کنسرت آنلاینی را در فضای مجازی برگزار کرد که با وجود بدبینی برخی از اهالی هنر، با استقبال خوبی از سوی علاقه‌مندان روبه‌رو شد. حالا نوبت به حجت اشرف‌زاده رسیده است تا پا در این مسیر جدید بگذارد. **حجت اشرف‌زاده** بعد از سال‌ها تلاش به قول خودش **دیده نشده، نامش به‌ناگاه با ماه و ماهی** بر سر **زبان‌ها افتاد. کنسرت آنلاین این خواننده چهارشنبه شانزدهم تیر در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار خواهد شد و به همین بهانه با او گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که می‌خوانید:**

**۴ در اجرای کنسرت آنلاینی که در پیش دارید، چه رپرتواری را اجرا خواهید کرد؟** چند تراک از آلبوم ماه و ماهی، بخشی از موسیقی خراسان را با ارکستر تلفیقی خراسانی، چند تیترازی که این روزها پخش شده است و چند قطعه قدیمی بازخوانی را اجرا خواهیم کرد.

**۴ با توجه به اینکه اطلاعات شخصی شما از اجرای کنسرت آنلاین بیشتر شده و با مروری که انجام داده‌اید، این اتفاق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟** اول اینکه از تکنولوژی نمی‌توان فرار کرد، منتها باید در راستای ایجاد فرهنگی خودمان از آن بهره بگیریم. اتفاقا چند روز پیش که با یکی از دوستان صحبت می‌کردیم، بحث تکنولوژی در کشور «چین» مطرح شد. آنجا محصولاتی همچون مد، موسیقی، سینما و هر چیز دیگری که قرار است وارد شود، ازسوی مجموعه‌ای از افراد بومی‌سازی می‌شود. با این توضیح تلاش اولیه برای برخورداری از امکان اجرای کنسرت آنلاین در ایران به‌خوبی انجام شده است. اینکه تا چه اندازه بتوانیم

تلویزیون احساس می‌شد و از طرفی فضای متفاوت، اجرای رامبد جوان، حضور شخصیت‌هایی ازجمله «جناب‌خان» که یکی از دلایل عمده محبوبیت این برنامه محسوب می‌شد، دست به دست هم داد تا رامبد جوان و گروه سازنده موفقیتی مثال‌زدنی را در رسانه ملی تجربه کنند. هرچند حواشی متعددی از ابتدا بر سر این برنامه سایه انداخت؛ به‌خاطر یابورید روزهایی را که دعوت از برخی چهره‌ها این برنامه را به سیاسی‌بودن متهم کرد یا رقابت هنرمندان در مسابقه استندآپ کمدی و انتخاب کمدین برتر به موجی از حواشی و اظهارنظرهای میان مردم تبدیل شد و به این موضوع دامن زد. این برنامه در دوسال فعالیتش فرازوفرودهای بسیاری را تجربه کرد. اما موفقیتش هم آن‌قدر زیاد شد که از آن به‌عنوان رقیب جدی برنامه «۹۰» یاد می‌شد، باین‌حال مدت‌هاست که «خندوانه»

کینیت سابقش را ندارد. در فصل جدید و در روزهای گذشته، ایده اجرای مسابقه «خانواده باحال» یا مواردی از این دست هم نتوانست آن‌طور که باید، شوروشوق سابق را به این برنامه بازگرداند. در فصل جدید «خندوانه» تعداد بیشتری از مخاطبان در استودیو حضور دارند و به نظر می‌رسید برخی از تغییرات فصل جدید، به‌موفقیت این برنامه اضافه کند. حواشی اخیر برنامه مثل اختلاف و گریسی دو شرکت‌کننده در برنامه «خندوانه» و استفاده از گاز اشک‌آور، دعوت از بدل‌های زنده‌یاد مرتضی پاشایی و بسیاری از اتفاقات ریزودرشت دیگر هرکدام چالش‌های

#### «خندوانه» همچنان می‌خنداند؟

## حمله مدیری به امپراتوری «رامبد»

زیادی برای این برنامه ایجاد کرد. اما نکته قابل‌اعتنا اینجاست که دلیل افت کیفی بسیاری از برنامه‌های تلویزیون ما که با محوریت سرگرمی یا گفت‌وگو ایجاد می‌شوند چیست؟ به چه دلیل بسیاری از برنامه‌های گفت‌وگومحور خارجی می‌توانند سال‌های‌سال به حیاتشان با کیفیتی استاندارد ادامه دهند اما در تلویزیون ما انگشت‌شمار برنامه‌هایی توانستند به چنین موفقیتی دست پیدا کنند. نکته اینجاست که اساسا یکی از وظایف تلویزیون، همراهی با مخاطبان در مدت‌زمانی طولانی است و دست‌کم در این حوزه باید پیشگام باشد و حال اینکه مداوم یک برنامه به چه پارامترهایی نیاز دارد، اصلی است که پاسخ اصلی آن به دست رسانه ملی است. قطعا آزمون‌وخطاهای گذشته و درنظرگرفتن موفقیت برنامه‌ها یا به تعبیری الگوهایی که رسانه ملی از آنها جواب گرفته است، می‌تواند به موفقیت یک برنامه در طولانی‌مدت کمک کند. به‌هررو تلویزیون رسانه‌ای است که اغلب اوقات مخاطبانش را بر می‌کند و دست‌کم در زمینه کیفیت برنامه‌ها یا موفق‌نبودن برخی از برنامه‌های پرمخاطبش باید پاسخ روشنی داشته باشد و پرداختن به مفهوم رسانه نکته‌ای است که باید به آن توجه داشت.

**حمایت ستادی تلویزیون از یک برنامه؟**

محمد صوفی که در این سال‌ها همراه با منصور ضابطیان برنامه‌های پرمخاطبی چون «صدربک» یا «رادیو هفت» را روی آنتن داشتند، در پاسخ به این پرسش به «شرق» گفت: «نمی‌خواهم درباره برنامه

خاصی صحبت کنم، چراکه هر برنامه فرصت خاص خودش را دارد. درباره پرسش شما باید بگویم، تیم سازنده یک برنامه باید سعی کند تا در طول زمان، پویایی و ارتباطش با مخاطب را حفظ کند. اتفاقا این مهم‌ترین نکته‌ای است که باید به آن توجه شود و در صورت توجه‌داشتن به آن اتفاقا از همین زاویه ضربه می‌خورند. چراکه اگر ارتباط برنامه با مخاطبانش قطع شود، نمی‌توان انتظار زیادی از موفقیت برنامه داشت و باید درگیر مسائل اجتماعی و اتفاقات روزمره مخاطبان شد و یکی از تلاش‌های ما برای ساخت برنامه در طول همه این سال‌ها این بود که باید شبیه مردم باشیم و سعی خودمان را کردیم. اینکه موفقیت حاصل شد یا خیر به نظر مردم بستگی دارد». او ادامه داد: «از نظر من باید سعی شود در نهایت سادگی و با درنظرگرفتن ایده‌های مختلف برنامه را پیش برد و کیفیت برنامه را حفظ کرد. به‌هرحال هر برنامه باید مصرف‌خاص خودش را دارد اما اگر برنامه‌ای دنبال ارتباط با مخاطبش باشد و تلاش کند تا از حد استاندارد یاپین‌تر نیاید، باید به خودش فرصت بدهد و مدام در حال تولید ایده و خلاقیت‌هایی در کار باشد و به‌هیچ‌وجه در یک مسیر خاص متوقف نشود». صوفی افزود: «اما نکته دیگری هم هست که بد نیست به آن اشاره شود و آن حمایت ستادی تلویزیون از یک برنامه است. همیشه یک چارچوب برای برنامه‌سازی وجود دارد و تلویزیون پارامترهایی برای ساخت برنامه تعریف می‌کند مثل اینکه این برنامه باید شامل مواردی خاص باشد و بخش‌های مشخصی برای آن تعریف می‌شود. طبعاً وقتی برنامه‌ای در این چارچوب تعریف می‌شود، دست برنامه‌ساز نیز بسته می‌شود و هربار بخواهد تغییری در برنامه ایجاد کند و همراه با سلیقه مردم شناور باشد، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است و اگر از این حدود تبعیت نشود، زمانی که بحث مالی پیش می‌آید ممکن است مشکلی بین تلویزیون و برنامه‌ساز به دلیل توجه‌نکردن به آن پارامترهای درنظرگرفته‌شده، پیش بیاید. در نتیجه برنامه‌ساز سعی می‌کند با توجه به چارچوب‌های درنظرگرفته‌شده عمل کند و گاهی باعث می‌شود که برنامه‌ساز هم به فکر تغییری در برنامه نباشد در صورتی که اگر این دو نگاه همسو شود، می‌توان تا حد زیادی کیفیت برنامه‌ها را در طول زمان حفظ کرد».

اجازه دهم به بهانه رونمایی از این مستند، بیمارستان فوق‌تخصصی «زنجیره امید» را نیز برای جذب حمایت معرفی کنم». او مستند «آی آدم‌ها» را به زنده‌یاد بدالله نجفی، صدابردار قنبد سینما، تقدیم کرد که این فیلم با همکاری او ساخته شده بود. همچنین در این مراسم مریم مرعشی طی سخنانی درباره ساخت بیمارستان این مؤسسه عنوان کرد: «در این مؤسسه تاکنون بیش از هفت‌هزار و ۲۰۰ کودک بیمار تحت پوشش و درمان قرار گرفته‌اند. گروهی از بهترین پزشکان با ما همکاری دارند اما قصد داریم بیمارستان تخصصی و مشخصی بسازیم که قرار است این بیمارستان ساخته شود و بعد وزارت بهداشت آن را تجهیز کند». در این مراسم افرادی همچون اصغر فرهادی، لیلی گلستان، آرتیا حاجیان، نرگس آپتیار، فرهاد اصلانی، محمدحسین قاسمی، باران کوثری، جهانگیر کوثری، هانا کامکار، سروش صحت، امیر روحانی، مجتبی میرطهماسب، علیرضا رضاداد، علیرضا قاسم‌خان، عاطفه رضوی، حسین پاکدل، مهتاب کرامتی، حمید رضایی، امیرحسین علم‌الهدی، جعفر صائعی مقبذ، افسانه حشر‌قادر، رویا نونهالی، حسن فتحی، خسرو دهقان، علیرضا داوودنژاد، رضا داوودنژاد، مهراوه شریفی‌نیا و نمایندگان رسانه‌ها حضور داشتند.

موسیقی تقدیم کنم. ناگفته نماند این کنسرت اول از همه، تقدیم به کسانی می‌شود که نمی‌توانند به دلیل معلولیت، کهولت سن و امکان مالی در کنسرت‌های زنده حاضر شوند. این نکته را هم باید بگویم نه من، نه آقای قربانی و نه دیگر دوستان به‌هیچ‌عنوان مبلغ بالایی را از کنسرت‌گذار محترم طلب نکرده‌ایم و شایعات ایجادشده دراین‌باره، واقعیت ندارد. حتی می‌توانم بگویم مبلغ دریافت‌شده از یک اجرای سازمانی و ارگانی کمتر است. هدف ما این بوده است با وجود کمبودها و مشکلات مختلف و جغایی که به موسیقی وارد می‌شود، این اتفاق میمون و مبارک در میان اهالی هنر بیفتد تا موسیقی خوب ایرانی بتواند دوباره به مخاطب ایرانیان راه پیدا کند و مردم عزیز کشورمان بتوانند از آن لذت ببرند.

**۴ بعد از اینکه اولین کنسرت آنلاین ایران با اجرای علیرضا قربانی اجرا شد و ۱۰ هزار نفر از آن دیدن کردند، گرگانی‌های احتمالی شما از چنین کاری برطرف شد؟** نه، هر شکل، شروع هر کار تازه‌ای سختی‌های خاص خودش را دارد. با توجه به همین نکات، من درباره این اتفاق خوش‌بینم. چون ایرانیان ثابت کرده‌اند همیشه در استفاده از ابزارهای تکنولوژی به‌ویژه نرم‌افزارهای اجتماعی این چنینی پیشتاز بوده‌اند. در پایان باید بگویم در سبد فرهنگی خانواده‌ها امکان قرارگیری محصول جدیدی فراهم شده و اگر کمی متصفانه به قضیه نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد با توجه به هزینه بسیار پایین برخورداری از این امکان برای خانواده‌ها، اتفاق خوبی در زمینه فرهنگی در کشورمان افتاده است. بنابراین اگر از این حرکت استقبال شایسته‌ای صورت گیرد، هم مجری این طرح می‌تواند با خیال راحت به این راه ادامه دهد و هم هنرمندان با شوق‌وذوق بیشتری به سالن‌های برگزاری خواهند آمد.

#### خبرسازان

#### واکنش نوربخش به‌نامه ارجمند

**• کش‌وقوس** میان مدیرعامل خانه موسیقی و مدیر سابق دفتر موسیقی ادامه دارد. پس از آنکه حمیدرضا نوربخش از پیروز ارجمند شکایت کرد ارجمند نامه‌ای به مجمع‌عمومی این نهاد ارسال کرد و به دنبال آن نوربخش هم در این مجمع به سخنان مدیر سابق دفتر موسیقی واکنش نشان داد.
براساس خبری که یکشنبه، ۱۳ تیر، در خبرها منتشر شد، حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی، از پیروز ارجمند، مدیر سابق دفتر موسیقی، شکایت کرده است. به دنبال آن ارجمند نیز نامه‌ای به مجمع‌عمومی خانه موسیقی ارسال کرد. ارجمند در این نامه که در اختیار موسیقی «شرق» قرار گرفت، چنین اظهار کرده است: «پس از شکایت خانه موسیقی از دانشمند موسیقی ایران، دکتر ساسان فاطمی، شکایتی دیگر از طرف خانه موسیقی علیه من به دادسرا ارائه شد. منبای شکایت، امضا بیانیه‌های منتقدان و مصاحبه انتقادی با خبرگزاری ایلنا مورخ ۹۴/۸/۱۱ و ۹۴/۸/۱۲ است. اقای نوربخش، من و آقای دکتر ساسان فاطمی را منتقد ندانسته و مقتری دانسته‌اند. درحالی‌که انتقادات وارده به ایشان و هیات‌مدیره خانه موسیقی، منطبق با اصول اساس‌نامه خانه موسیقی است و ایشان موظف به پاسخ‌گویی هستند». او در ادامه افزود: «در سال گذشته چندین نامه به هیات‌مدیره، مدیرعامل، شورای‌عالی، بازرس خانه موسیقی درباره شبهات موجود در عملکرد خانه موسیقی ارسال شد. متأسفانه تنها نامه پاسخ داده‌شده از سوی بازرس، خانم آذره‌اشمی، در مجمع عمومی قرائت شد. هر چند این گزارش بنا به درخواست منتقدان تهیه شده اما با گذشت چند ماه و پیگیری‌های مستمر هیچ نسخه‌ای از آن در اختیار منتقدان قرار نگرفته و وعده درج در سایت خانه موسیقی نیز محقق نشده است». ارجمند در این نامه نکاتی را نیز درباره نحوه عملکرد خانه موسیقی متذکر شده است ازجمله اینکه «نام‌های حسین علیراده، داریوش طلائی، مجید کیانی، محمدسعید شریفیان، کامبیز روشن‌رسان، ساسان فاطمی، کیهان کلههر، محمد معتمدی، علی قمصری و صدا نفر از دیگر موسیقی‌دانان ارزشمند ایران، درمیان منتقدان سیاست‌ها و عملکرد خانهای است که قرار بود مأمن و پناهگاه امن اهالی موسیقی باشد. سپردن مجدد این خانه به کسانی که درایت، بصیرت، صبر و دانش لازم را در اداره خانه موسیقی ندارند، به وحدت و هم‌گرایی موسیقی‌دانان لطمه خواهد زد». او در ادامه درباره نحوه برخورد با لغو کنسرت‌ها افزود: «مدیرعامل خانه موسیقی بارها اعلام کرد بپگیر لغو کنسرت‌ها بوده است. به گواهی اسناد موجود در دفتر موسقی، ایشان هیچ‌گاه مکاتبه یا مذاکراتی با این‌جانب به‌عنوان متولی و مسئول مستقیم کنسرت‌ها برای پیگیری دلایل لغو کنسرت‌ها نداشت...». ارجمند همچنین در این‌نامه درباره شفاف‌سازی راجع به میلیاردها پول که بارها عنوان کرده و نوربخش خواستار توضیحات او دراین‌باره بوده است، چنین گفت: «منتقدان خانه بارها خواستار اعلام مبالغ دریافتی از شهرداری تهران و معاونت هنری وزارت ارشاد و نحوه هزینه‌کرد از جمله شفاف‌سازی خرید واحدهای خیابان فاطمی و دیگر هزینه‌کردها شدند. تاکنون هیچ گزارشی در این زمینه داده نشده و مدیرعامل خانه موسیقی به خبرنگاران می‌گوید: محل کنونی خانه را هفت، هشت میلیارد فروختم. آیا مدیرعامل یک مجموعه نباید از مبلغ دقیق فروش تنها مکمل صنف مطلع باشد؟»

همچنین ارجمند یکی از موارد مبنای شکایت خانه موسیقی از خود و ساسان فاطمی را طرح موضوع قانونی‌نبودن دوره مدیریت هیات‌مدیره و مدیرعامل و شورای‌عالی می‌داند و می‌افزاید: «مدارک و دلایل کافی در بیانیه‌های منتقدان ذکر شده و مجالی برای طرح مجدد نیست. وکیل و مدیرعامل

خانه هم به شکل تلویحی به مشکلاتی در روند ثبت تغییرات اساس‌نامه و روال غیرمعمول از جمله همکاری‌نکردن دولت قبیل و طویل‌بودن زمان ثبت